خارج اصول

جلسه71 \* چهارشنبه 2/ 11/ 98

موضوع: مسأله ی ضد

کلام در مقدّمیّت بود. گفتیم عدم ضدّ، مقدّمه ی وجود ضدّ دیگر نیست.

یک مطلب تنوّعاً و طرداً للباب

بعضی گفته اند ثمره ی بحث مقدّمیّت در باب ضدّین، در وضو و غسل ارتماسی ظاهر می شود؛ اگر اعضای وضو یا غسل، نجس باشد، طهارت ارتماسی باطل است؛ مثلاً اگر دست انسان نجس باشد با یکبار داخل آب بردن، وضو صحیح نیست زیرا عدم نجاست دست، مقدّمه ی حصول طهارت دست است؛

ادامه ی بحث

گفتیم عدم ضدّ دائما مستند به عدم مقتضی است نه وجود مانع؛ مگر اینکه یکی از دو ضدّ، علّت تامّه باشد و مزاحم ضدّ دیگر و مانع از مقتضی آن باشد؛ مثلاً اگر امر دائر بین نجات فرزند و نجات برادر باشد، عدم نجات برادر، مقدّمه ی نجات فرزند است زیرا ملاک وجوب نجات فرزند، تمام و کامل است و مانع مقتضیِ نجات برادر است؛ ولی اگر اینطور نباشد مثلاً امر دائر بین نجات یک برادر و نجات برادر دیگر باشد، اوّلاً این دو در یک رتبه اند و ثانیاً هیچکدام، مانع مقتضی دیگری نیست.

با توجّه به این مطالب، تفصیلی را که محقّق خوانساری قائل شده -که به شیخ اعظم نیز نسبت داده شده است- باطل است؛ ایشان می فرماید:

عدم ضدّ معدوم، مقدّمه ی وجود ضد دیگر نیست ولی عدم ضدّ موجود، مقدّمه است. زیرا در باب مقدّمیّت، «رفع المانع» لازم است؛ در ضدّ موجود «رفع» صادق است ولی در ضدّ معدوم «رفع» صادق نیست بلکه «دفع» صادق است.

وجه بطلان: قبلاً گذشت که در باب ضدّین، اصلاً «رفع» صادق نیست بلکه همیشه «دفع» است.

(پایان)